

# گذری بر نقاشی قهوه‌خانه‌ای در اصفهان

بهرام جلیل‌زاده\*

## مقدمه

ریا و تفنن و دل‌مشغولی در آن راهی نداشت، پس تن به هیچ خواهش و تمنای دنیوی ندادند. سر تعظیم به هیچ مقام و مرتبه‌ای جز عشق به خاندان عترت و اهل بیت نساییدند و فقر و گمنامی را بر مال و جاه و شهرتی چند روزه ترجیح دادند.

صحبت از هنری ناشناخته است، تا مگر غبار از ارزشهای خاک‌گرفته و پنهان این هنر مردمی بزداییم. چاره‌ای جز دل بستن به نمونه‌ای از بی‌شمار نمونه‌های خلاقیت هنر مردمی نداریم، و در این رهگذر نقاشی قهوه‌خانه، هر چند که نه بازگویی تمام ارزش‌های نهفته در کار نقاشان قهوه‌خانه است و نه دلیلی برای شناخت سبک و شیوه آنان، که فقط نشانه‌ای و شاید اسمی نه به انتخاب خود آنان که به سلیقه، و همان بهتر که با نام دیگری نشناسیمشان چرا که آن وقت سخت به بیراهه می‌رویم.

هنری که هنرمندان آن از جمع پرفصفا و خالصانه مردمی پاک و ساده‌دل برخاسته‌اند و زبانشان،

وقتی هنری در میان کوچه و بازار و در چهار دیواری قهوه‌خانه‌ها و زورخانه‌ها، در فضای مالا مال از شوق و ایمان حسینی‌ها و تکیه‌ها متولد می‌شود، آن هم با همت و توان هنرمندانی عاشق، دلسوخته، یکرنگ، بی‌ادعا و پرمهر و صفا، باید که حکایتش را سزواور توصیف دانست و برایش قلم‌فرسایی نمود، چرا که روایت این هنر روایت مهر و محبت، الفت و یکرنگی و قصه صفا و سوز است، داستان گمنامی و مهجوری.

هنر قهوه‌خانه، هنری است که شاعران آن تذکره و دیوان ندارند و نقاشان بی‌ریایی هستند که گمنام و غریب مانده‌اند. نام معماران و خطاطان آن بر هیچ کتیبه و دیواری نقش بسته است. آنان که صادقانه و بی‌نیاز به خلاقیت پرداختند و چه پر بار و بی‌آلایش ترک زندگی گفتند. نامشان نماند، اما یادشان در چهارچوب قاب کهنه‌ای بر دیوار زنده مانده است. در نقش تابلویی برگوشه قهوه‌خانه و بر پرده‌ای رنگ‌باخته در دست درویشی عاشق و مهمتر در اندیشه و دل مردم کوچه و بازار. هنرمندانی که هنر را چون عبادتی می‌دانستند که هیچ‌گونه بی‌حرمتی و

\* - کارشناس فنی رشته نقاشی از دانشگاه تهران.



به‌خصوص هنری سرزمین کهن خود که در موزه‌های دولتی و شخصی اروپاییان قرار دارند اشاره کنیم و این در حالی است که پژوهشگران غربی در مورد هنر ایران و به‌خصوص «نگارگری» تألیفات و پژوهشهای بی‌شماری داشته‌اند و ما غافل از آثار هنری خویش به اجبار نوشته‌ها و تألیفات و تفکرات اروپاییان را در مورد هنر نقاشی و فرهنگ خویش ترجمه نموده‌ایم.

یکی دیگر از اهداف این بررسی؛ پرداختن به نگارگری عامیانه ایران و نقش و نگارهای عامیانه در ادبیات و حماسه است. ادبیات کهن و غنی ایران همیشه مورد توجه استادان زبردست نقاش بوده است و همواره نگارگران، نسخه‌های ادبی زیادی را به طرق و روشهای مختلف به‌تصویر کشیده‌اند.

این گنجینه‌های گرانها صفحات زرینی به تاریخ نگارگری ایران افزوده و موزه‌های شرق و غرب از نسخه‌های خطی و مصور شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و دیوان حافظ و... سود برده‌اند.

از طرف دیگر، بُعد مذهبی و سنتی نقاشی ایرانی مورد توجه است، چرا که عمده اهداف این

اندیشه و ذوقشان بازتاب آینه‌واری از روحیه مردمی بی‌غل و غش و صادق بود که با تمامی وجود، هنر هنرمندان را در طول زمان پاسداری کردند و با پایمردی به نگهداری ارزشهای آن همت گماشتند. هنری که در مقابل تمام زرق و برق هنر رسمی دوران خود، با تمام زورمندی و امکانات این هنرها، با تمام نگاههای حقارت‌بار به آن، باز به فراموشی سپرده نشد و در بطن هنر ناب و اصیل کوچه و بازار به رشد و نمو ادامه داد.

#### اهداف این بررسی

نگارنده در این نوشتار ضمن بیان هدف اصلی، ابتدا به بررسی هر چند کوتاه و اجمالی نقاشی در دوره زندگی و قاجاریه می‌پردازد و دوره زندگی را که زمینه‌ساز هنر قاجار است - و در واقع هر دوی این دوره‌ها، تداوم دوره هنری ماقبل خود دوره صفوی می‌باشند - با دوره قاجار مقایسه می‌کند. ریشه‌ها و زمینه‌های نقاشی مذهبی و حماسی و اسطوره‌ای شاید از این طریق پدیدار گردد.

لازم است به آثار گرانها و ارزشمند تاریخی و

**هنر قهوه‌خانه، هنری است که شاعران آن تذکره و دیوان ندارند  
و نقاشان بی‌ریایی هستند که گمنام و غریب مانده‌اند. نام معماران  
و خطاطان آن بر هیچ کتیبه و دیواری نقش نبسته است.  
آن‌ها که صادقانه و بی‌نیاز به خلاقیت پرداختند و چه پربار  
و بی‌آلایش ترک زندگی گفتند. نامشان نماند، اما یادشان  
در چهارچوب قاب کهنه‌ای بر دیوار زنده مانده است.**

گذاشتند و ما را چه باک که معنای هنر راستین و  
متعهد را از چرخش همین دستها و ثبت این  
اندیشه‌ها جست‌وجو کنیم.

هنرمندان صادق و عاشق، نقش‌آفرینان  
پرده‌های تعزیه با تکیه بر تجربه‌ای نه‌چندان غنی و  
کافی با شیوه‌ای پیش پا افتاده و ابتدایی رسالت هنر  
مردمی را در برابر سردرگمی و بی‌هدفی نقاشان  
هنر رسمی برعهده گرفتند، اما چون پشتوانه  
کارشان ذوقشان و راستی و ایمانشان بود لاجرم  
خطوط آنها بر دلها نشست و چون به میان مردم  
آمدند، چه آغوش‌بازی یافتند و چه پرمهر، مردم به  
تماشای کارشان نشستند.

زمان زیادی نمی‌گذرد که رؤیای چنین تجربه  
پرباری را بر پیشانی و دیوار حسینیه‌ها و تکیه‌ها و بر  
کاشیهای رنگارنگ پر صلابت می‌بینیم. گویا از بیم  
نابودی این هنر است که نقاشان و کاشیکاران همت  
به بریایی چنین صحنه‌های مهیج و پربار می‌کنند.  
اینجاست که دیگر رنگها فقط بر تن پارچه‌ای نازک  
نمی‌نشینند.

جلای رنگ در چشم کاشیها یاور نقاشان می‌شود.  
نقاش اگر چه به ترکیب رنگ نمی‌اندیشد، اما در  
مجموع، قرارگرفتن رنگها به گونه‌ای است که چشم  
را آزار نمی‌دهد و هر رنگی به عاریت مفهومی بر  
چهره‌ای می‌نشیند و گویا این نقاشی‌هاست که  
سرنوشت رنگ را تعیین می‌کند و گمان می‌داریم که  
برای نقاش، کاربرد رنگ در مرتبه‌ای بعد از معنای  
نقش قرار دارد، چرا که همه تلاش‌ها بر محور نشان  
دادن ارزش و مقام صاحبان رسالت خدایی است.

نوشتار بررسی شیوه مذهبی نگارگری در ایران  
است و آن روایت هنر هنرمندان مظلوم و محروم  
«قهوه‌خانه» است، افرادی که این هنر را از عاطفه و  
قلبه‌های مملو از عشق و ایمان خویش به خاندان  
عترت و طهارت و سرور و سالار شهیدان حضرت  
اباعبدالله<sup>(ع)</sup> و خاندان وی گرفته‌اند و آنرا چون  
فریضه‌ای والا در راه خلق آثار مذهبی، پرده‌ها و  
دیوارنگارهای مذهبی، تکایا و بقعه‌ها حس نموده  
و به انجام رسانده‌اند. آنجا که اشکی از سر سوز و  
ندای مظلومیت عاشوراییان در کربلا و شهیدان  
سرازیر می‌شود، نقاش توان و احساس زندگی و  
هنر خویش را می‌یابد و بدون احساس خستگی و  
شاید با اندک مزدی تا پایان عمر، خود را وقف  
عشق خویش می‌نماید.

**زمینه‌های به وجود آمدن نقاشی قهوه‌خانه‌ای**  
در اینکه نقاشی قهوه‌خانه‌ای کی و از کجا پا گرفت،  
هیچ نظریه و پژوهشی چندان پاسخگو نیست، چرا  
که در هیچ دفتری یا شرحی، حتی گوشه چشمی به  
این هنر مظلوم و صادق نشده است، با این همه آنچه  
را که ما امروز در قالب نقاشی قهوه‌خانه باز  
می‌شناسیم، رگه‌های آشکار و اولیه‌اش را می‌باید  
در تولد پرده‌های تعزیه جست‌وجو کرد، با طول  
عمری بیش از سه قرن. وقتی تعزیه‌خوانان به کوچه  
و بازار آمدند که حماسه شهید بزرگوار کربلا را، یاد  
ایثار و از خودگذشتگی‌ها را، عبودیت و اخلاص را  
فریاد کنند، هنرمندانی مؤمن و دلسوخته، شیفته و  
مخلص از میان مردم کوچه و بازار پا به میدان



نقاشی قهوه‌خانه قبل از هرچیز بازگوکننده دنیای نقاش و خالق اثر هنری است.

این نوع نقاشی هیچ نوع ضابطه و قالبی را نمی‌پذیرد و هرگز هیچ‌یک از نمونه‌های آن ملاک داوری درباره نمونه‌های دیگر نمی‌شود.

دنیای دیگر نقاشی قهوه‌خانه، دنیای قصه و حکایت است. تجسم خیال‌انگیز لحظات شادی و غم، دل‌تنگی و شوق، کام و ناکامی، ثبت قصه‌ها در بطن نقشها و رنگها، قصه‌هایی که از زبان دیگران، شنیده بودند.

### ویژگیهای نقاشی قهوه‌خانه‌ای

این نقاشی ویژگیهای کاملاً ایرانی دارد و مستقیماً از ذهن نقاش ایرانی و بدون استفاده از مضامین خارجی و با شیوه خاص خود که عدم پرداخت دقیق به آناتومی و پرسپکتیو می‌باشد، نشأت می‌گیرد. نقاش در این سبک چهره‌هایی را می‌پردازد که کاملاً زاینده تفکر و ذهنیت اوست. به همین دلیل شخصیت‌های واحد در تابلوهای مختلف چهره‌های گوناگون دارند و هر نقاش نسبت به برداشت خویش چهره‌ای را می‌سازد، مثلاً در مورد موضوع‌های مذهبی مثل شهادت حضرت امام حسین (ع) نقاش سعی در کشیدن چهره‌ای با تمام مظلومیت و در عین حال شهامت و مردانگی دارد، به هر ترتیب که می‌تواند از طریق لباس، اسب و یا هر چیز دیگر و احیاناً اگر ضعفی در داستان وجود داشته باشد، نقاش با هنر خود سعی در جبران آن می‌نماید.

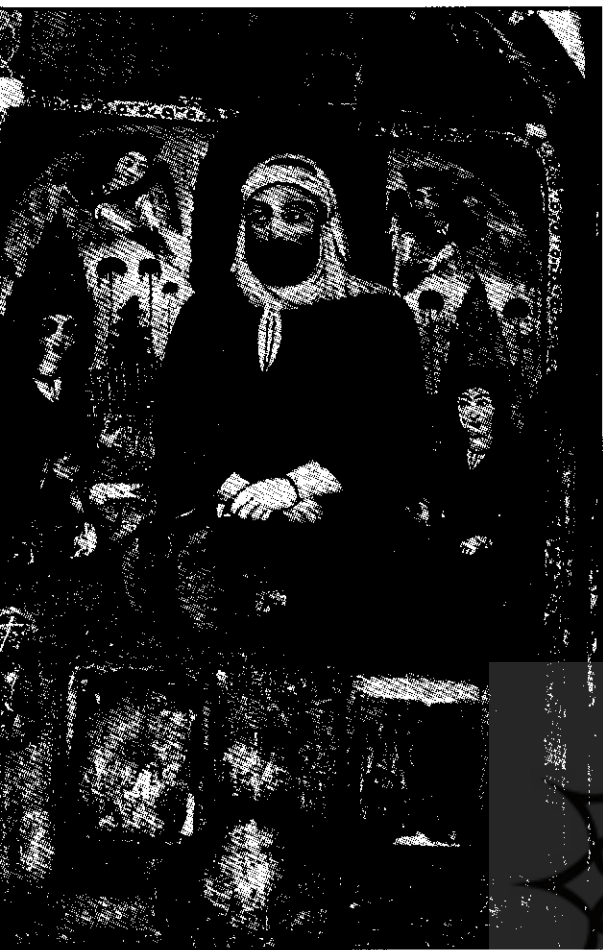
- در نقاشی قهوه‌خانه برای نشان دادن افراد معصوم و امامان و پاکان مشخصه‌ای از هلال نور دور سر آن منظور می‌شود و در عوض آدمهای شقی و سیاه‌دل و آدمهایی که دوست‌داشتنی نیستند مانند یزید و شمر و ...، کربه تصویر می‌شود که نفرت لازم را در بیننده برانگیزد.

- دنیای دیگر نقاشی قهوه‌خانه، دنیای قصه و حکایت است. تجسم خیال‌انگیز لحظات شادی و غم، دل‌تنگی و شوق، کام و ناکامی، ثبت قصه‌ها در بطن نقشها و رنگها، قصه‌هایی که از زبان دیگران شنیده بودند. آنان بی آنکه شیوه نقاشی مینیاتور را بشناسند، کار را به گونه‌ای دنبال کردند که گاه شباهتهای زیادی در کار آنان پدیدار شد و این

نخستین رگه‌های وسواس نقاشان قهوه‌خانه است. در این شیوه است که نقاشان قهوه‌خانه رنگها و نقش‌ها را در ترکیبی شاعرانه و حضوری دلخواه کنار هم قرار می‌دهند. از ورای این حرکت تازه است که آن رقابت پرثمر در رو در رویی با نقاشیهای رسمی و بی‌محتوای قاجار آغاز می‌شود، جایگزینی فروتنی و حجب در برابر دریدگی و گستاخی، چرا که از این زمان به بعد قهرمانانی پیدا می‌شوند که شمشیر مرصع ندارند، اما دلی چون آینه و پاک دارند، لباس فاخری ندارند، ولی قلبشان مانند جواهر است، ایمانشان پاک است، هدفشان انسانی است و والا. گاهی بعضی از نقاشان به تقلید از شیوه هنری قهوه‌خانه تن در می‌دهند، بی آنکه هرگز رد پای آشکار از این تقلید به جای بگذارند. آنان به سفارش صاحبان زر آثاری پدید می‌آورند که حرکات و چشمها و اجزای آن از نقاشیهای قهوه‌خانه‌ای به وام گرفته شده است با این تفاوت که شاهان بر تخت نشسته‌اند و محرومان در انتظار آناند که روزگاری داد ستم بگیرند.

- از ویژگیهای دیگر نقاشی قهوه‌خانه‌ای؛ ثبت غم و شادیهای مردم کوچه و بازار است به پاس تقدیر از خوبی‌هایشان، مهرشان و محبت‌شان. محبت آنان دل نقاش را به شوق وا می‌دارد و غمشان آزرده‌اش می‌کند، پس مثل عکسی به یادگار، لحظه‌ای حضورشان را در قهوه‌خانه ثبت می‌کند.

- از ویژگیهای دیگر این نوع نقاشیها وجود اصالت کسار و جلوه‌هایی از زندگی شرقی، به خصوص محسوس بودن فضا و محیط در این نوع نقاشی است که جلب توجه می‌کند.



در نقاشی قهوه‌خانه‌ای مایه‌هایی از مینیاتور را می‌توان یافت، همان‌گونه که میان شعر فارسی و داستان‌هایی که به نثر گفته شده ارتباط وجود دارد. وقتی تابلوی رستم و سهراب را تماشا کنید می‌بینید که بیشتر فضای تابلو را تصویر رستم می‌گیرد، و این به دلیل علاقه زیاد نقاش به شخصیت این قهرمان است.

نقاشی قهوه‌خانه قبل از هر چیز بازگو کننده دنیای نقاش و خالق اثر هنری است. این نوع نقاشی هیچ نوع ضابطه و قالبی را نمی‌پذیرد و هرگز هیچ‌یک از نمونه‌های آن ملاک داوری درباره نمونه‌های دیگر نمی‌شود.

نخستین خصلت این هنر، اصالت چهره‌سازی است، به صورتی که در پرداخت مجلس‌ها نیز تکیه نقاش را بر روی چهره‌ها به آسانی می‌توان دریافت و تابلو، بی‌وجود چهره‌ها هیچ مفهومی ندارد.

### بررسی سبک در نقاشی قهوه‌خانه‌ای

چون این نقاشی از درون ذوق و سلیقه نقاش ایرانی با ویژگی‌های خاص مذهبی و حماسی و میهنی می‌جوشد نقاش بدون آشنایی و یا دنباله‌روی از هیچ «ایسمی» فقط برای پاسخگویی به ندای درونی خود دست به آفریدن این‌گونه تصاویر می‌زند و به علت اصالت کارهایش جای پای برای ایسم‌های خارجی و مکاتب اروپایی نمی‌گذارد و به دلیل همان ضرورت درونی و احساس هنرمند، نقاشی قهوه‌خانه به سرعت ریشه دوانید و استوار شد و به‌طور غیرمستقیم بر روی کسانی تأثیر گذاشت و آنان را به دنبال خود کشاند که این افراد به ضرورت گرایششان به نقاشی قهوه‌خانه، زمینه جذب به نقاشی اصیل ایرانی را پدید آوردند، ولی برخلاف این، بسیاری دیگر از نقاشان جوان که به هنر جدید غرب روی آوردند، بدون هیچ پشتوانه‌ای از زمینه‌های پیشین و اصیل هنر شرق به یکباره خود را در دامان «مدرنیسم» رها کردند.

امامزاده هارون ولایت، شمایل حضرت علی و حسین

### پیش‌کسوتان نقاشی قهوه‌خانه‌ای

در اواخر دوره قاجاریه شخصی به نام علیرضا قولرلر آغاسی با عنوان مینا کارباشی و نقاش که دارای تبحر در زمینه‌های مختلف نقاشی و کاشیکاری بود، برای اولین بار هنر نقاشی را از صورت درباری که فقط در اختیار افراد مرفه جامعه آن روزگار بود در آورد و با پیاده کردن نقاشی بر روی بوم، آن را به محیط‌هایی چون قهوه‌خانه‌ها و حسینیه‌ها و بقعه‌های مذهبی وارد نمود. در آن روزگار، هنر نقاشی صرفاً در اختیار طبقه مرفه و اشراف و درباریان قرار داشت و به‌طور عمده بر روی دیوار نقش می‌بست و یا به صورت کاشیکاری که قابلیت جابه‌جا شدن و نقل و انتقال را نداشتند. اما با کاری که مرحوم قولرلر آغاسی انجام داد ابتدا مضامین

شدند می توان از استاد عباس بلوکی فر، حسن اسماعیل زاده و حسین همدانی نیز نام برد.

از دیگر نقاشان قهوه خانه از فتح الله قوللر آغاسی پسر خوانده استاد حسین قوللر آغاسی می توان نام برد، او شیفته پدر خویش حسین بود، وقتی در کارها و آثار او بنگری گویی حسین هنوز دار فانی را وداع نکرده و در گوشه ای به کار مشغول است.

روز عاشورا، عنوان تابلویی است از استاد بلوکی فر نقاش زبردست قهوه خانه که خود به تنهایی به نمایشگاهی کوچک می ماند، این تابلو گوشه های مختلفی از این روز تاریخی را به نمایش گذاشته است در این اثر، اولیاء و اصحاب، چهره های جاودانه ای از ایمان و اصالت و مردانگی می یابند، چهره های منور و پاک و چهره اشقیای زشت و کریه به تصویر درآمده است. استاد بلوکی فر، همچون سایر نقاشان قهوه خانه، عشق و نفرت خود را در چهره هایی پاک و یا پلید به روشنی منعکس می کند: «ما شمر را هر قیافه ای که داشته باشد با ترکیبی ناساز و نفرت بار تصویر می کنیم و امام حسین (ع) را حتی در گودال قتلگاه، پس از آن همه به خاک و خون آغستن و با آن همه زخم و درد و اندوه همچنان تمیز و آراسته و به دور از ذره ای گرد و غبار، پر طراوت و سرحال ترسیم می کنیم.»<sup>۱</sup>

از دیگر نقاشان این مکتب مردمی می توان از استاد محمد رحمانی که سالها کنار دست حسین قوللر آغاسی و محمد مدبر نقش آفرینی نموده نام برد. وی در اوج خلاقیت وقتی می رفت تا خود صاحب سهمی ویژه در این هنر شود، گوشه عزلت برگزید و از فرط تهیدستی و فقر و تحمل ناملایمات روزگار، لاجرم به فراموشی سپرده شد و تعدادی دیگر از رهروان این مکتب همچون استاد غدیر و یا محمد صانعی از بی مهری ها و فقر سرانجام دست از کار کشیده و به راه دیگری رفتند.

۱- مصاحبه استاد عباس بلوکی فر؛ فصلنامه هنر، پاییز ۱۳۶۵.



امامزاده هارون ولایت، شمایل حضرت امام حسین

دگرگون شد، سپس محل عرضه و نمایش آنها تغییر کرد و همچنین در ارتباط با مردمی قرار گرفت که از طبقات بالای جامعه نبودند و همچنین با پیاده شدن این مضامین بر روی بوم قابلیت حمل و نقل یافتند. بعد از علیرضا قوللر آغاسی که خود به خود استاد تمام کسانی محسوب می شود که در این راه گام برداشته اند باید از پسرش حسین قوللر آغاسی نام برد. حسین، نقاشی صاحب نام در این سبک بود. او تمام قوانین و قراردادهای این نقاشی را در تمام طول عمر خود حفظ کرد و پا را از چهارچوب آن فراتر نگذاشت و بعد از او از محمد مدبر می توان نام برد که البته در طول فعالیت هنری خود به زمینه های دیگر نیز گرایش نشان داده است.

از جمله کسان دیگری که جذب این نقاشی

### نقاشی مذهبی دیواری

نقاشی مذهبی دیواری عموماً در بناهای مذهبی و بقعه‌های اقصی نقاط کشورمان کار شده است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، این نوع نقاشی برخلاف نقاشی‌های درباری که در زمان حکومت قاجار کاخ‌ها را می‌آراست، دارای مضامین اسلامی و مذهبی بود و در تکایا و امامزاده‌ها و سقاخانه‌ها و زورخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و دیگر اماکن مردمی اجرا می‌شد که عموماً مصنوعات آن، ریشه مذهبی داشتند. از این جمله می‌توان در دزفول از امامزاده «پیرروبن» در کنار رودخانه دز و در گیلان از امامزاده «پیرعلمدار» نام برد و اینکه غالباً و در سایر دهات و شهرها نیز نمای بیرونی این بناها به نگارگری مذهبی دیواری آراسته شده است.

در اصفهان تعداد ۹ محل شناسایی شده که به همین نگارگری مزین می‌باشند و قدیمترین آن‌را در مسجد ذوالفقار می‌توان دید. این مسجد واقع در بازار اصفهان در محله «نیم‌آورد» است و مسجد کوچک و زیبایی است که روی دیوار داخلی آن، معراج حضرت رسول اکرم (ص) نقش بسته، که نیمی از آن به علت بی‌توجهی تخریب شده و نگارگر آن نیز ناشناس می‌باشد. عمر این اثر حدود دو قرن می‌باشد. همچنین امامزاده هارون ولایت که بعضی علما وی را از نوادگان امام علی النقی (ع) می‌دانند و بعضی نسبت وی را به امام موسی ابن جعفر (ع) می‌رسانند. در هر حال «هارون ولایت» بقعه‌ای بسیار معتبر و زیباست که در دو طرف دیوار راهروی ورودی آن تصاویری از حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) وجود دارد که در جایگاه خود قدمتی دارند.

روش دیوارنگاری امامزاده «هارون ولایت» به اواخر دوره زند و اوایل دوره قاجار می‌رسد و مانند آن بسیار کار شده است که نمونه دیگر و بسیار خوب آن کاری می‌باشد که به شخصی به نام «ابن رستم آل طبری» نسبت داده‌اند.

در اینجا دو نکته در خصوص نقاشی‌های مسجد ذوالفقار و هارون ولایت مد نظر است:



امامزاده زید - مجلس پنجم

اول آنکه نگارگران این دو مورد احتمالاً حرفه‌ای و صاحب سبک بوده‌اند. دوم آنکه الگوی نشستن حضرت امام علی (ع) و امام حسین (ع) در هر دو مورد تکرار می‌شود. که در امامزاده «تیرون چی» نجف‌آباد نیز این الگو دیده می‌شود.

این مسأله اهمیت دارد که چهره معصومین (ع) گاه به صورت پوشیده و گاه به صورت بی‌پرده تصویر شده است و این امر بستگی به مذهبی بودن نگارگر داشته است، اما به‌طور کلی از اواسط دوره قاجار کم‌کم چهره امامان از پشت پرده ململ سفید رخ می‌نماید و اواخر دوره قاجار تمام چهره معصومین (ع) آشکار شده است.

### نقاشی‌های امامزاده زید اصفهان

در این امامزاده آثاری از نقاشی به نام سیدعباس شاهزاده که تصویر نگارگر و سفارش دهنده آثار نیز در بخشی از دیوارنگارهای داخل بنا دیده می‌شود به‌جای مانده است. به‌طور کلی و اجمال این بقعه

در سال ۹۹۴ هجری بنا شده است و عمارت شامل یک صحن و دو اتاق کوچک در شرق و غرب صحن اصلی است که بعداً به صحن اصلی ملحق شده و با درهایی به صحن مرکزی راه می‌یابد. در سال ۱۰۹۷ هجری در پی تغییراتی که در زمان شاه سلیمان انجام می‌گیرد دو اتاق مذکور اضافه شده است.

دور تا دور ضریح بر روی دیوارهای داخلی تا زیر کتیبه‌های گچبری بنا، تصاویری است از وقایع کربلا که نقاش آن را به ۱۰ مجلس تقسیم می‌نماید. در این بقعه علاوه بر وقایع کربلا صحنه‌ای از مسموم شدن امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> که نسب امامزاده به ایشان می‌رسد به چشم می‌خورد.

لازم به ذکر است که نقاشیهای قسمتهای پایین این دیوارنگاره‌ها به علت سایش دایم دست با دیوار، طی مرور زمان کمرنگ شده و صحنه آوردن سر امام حسین<sup>(ع)</sup> به بارگاه یزید نیز کاملاً کهنه شده است و آن هم به نظر می‌رسد بدان علت است که مردم نخواستند چهره پلید یزید را ببینند. خوشبختانه مجموع این نقاشیها با همت و توجه سازمان میراث فرهنگی و جمعی از استادان و متخصصان این امر مورد مرمت و بازسازی قرار گرفت و ارزش و اعتبار هنری خود را باز یافت.

### بقعه امامزاده «چهار بزرگوار»

این بقعه در سر راه مورچه‌خورت به نطنز در محلی به نام «طرق» که حال و هوای کویری دارد واقع است. امامزاده مشرف به گورستان است و گویا چهار تن از فرزندان امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> در این محل مدفون شده‌اند. لذا به این بقعه امامزاده «چهار بزرگوار» می‌گویند. این بنا از دوره صفوی پابرجاست و حدود ۳۵۰ سال از قدمت آن می‌گذرد. قسمتهای بیرونی به دلیل بارانهای کویری آسیب فراوان دیده، ولی نقاشیهای داخلی سالم و پرچلا مانده است. روش کار با رنگهای گیاهی است که با آب مخلوط شده و نگارگری آنرا «عبدالله باقری» در تاریخ ۱۳۱۶ ه. ق انجام داده است.



امامزاده یزید - مجلس اول



امامزاده یزید - مجلس چهارم



امامزاده یزید - مجلس هفتم